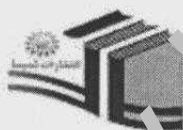


داستان ملی از

اخلاص

تألیف: علی اصغر دولت آبادی

سرشناسه	: دولت آبادی، علی اصغر، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: داستان‌هایی از اخلاص / تألیف علی اصغر دولت آبادی.
مشخصات نشر	: اهر: شمیسا، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۰ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۵۹-۰۷-۱ ۶۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیفا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: مجتهدان و علما -- ایران -- اخلاق
موضوع	: 'Ethics' -- Iran -- Ulama
موضوع	: اخلاص -- داستان
موضوع	: Sincerity -- Fiction
رده بندی کتبی	: ۱۳۹۵ ۵۲ ۸۷۵۲/۲ BP۵۵
رده بندی دیسیپلین	: ۲۹۷/۹۹۶
شماره کتابشناسی	: ۴۳۵۴۲



انتشارات شمیسا - ۰۹۱۲۹۲۶۶۱۱۸

نام کتاب: داستان‌هایی از اخلاص

مؤلف: علی اصغر دولت آبادی

ناشر: انتشارات شمیسا

نوبت چاپ: اول، بهار ۹۷

قطع و تعداد صفحه: رقعی، ۱۰۰

شمارگان: ۵۰۰ جلد

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: اعظم

شابک: 978-600-8459-07-1

قیمت: ... تومان

فهرست مطالب

۱۰	 مقدمه
۱۲	 درخواست حضرت موسی (ع)
۱۳	 از علی آموز اخلاص عمل
۱۵	 علی (ع) بر سینه عمرو
۱۶	 شام غدیر بان امام حسین (ع)
۱۸	 ایمان و اخلاص (۱)
۲۰	 ایمان و اخلاص (۲)
۲۲	 اخلاص در ترک وضو!
۲۲	 جلّه های اخلاص
۲۳	 اخلاص باطن (شرایط توبه)
۲۳	 اخلاص و صفای بالای معنوی
۲۴	 آیا به اندازه ی یک درصد توقعاتم،
۲۴	 عملی دارم که خالص باشد؟
۲۴	 تبیین و تحریر بر اخلاص با نقل دو قضیه
۲۷	 از مرحوم آیت الله جابلقی
۲۷	 اخلاص مرحوم جابلقی
۲۸	 ارزش صدقه ی خالصانه
۲۹	 منبری با اخلاص

- ۳۰ اخلاص علامه طباطبائی به خاندان رسالت
- ۳۱ عرض ارادت و اخلاص به اهل بیت (ع)
- ۳۲ اخلاص اولیای خدا
- ۳۲ همه ی کارها برای خدا
- ۳۳ برای خدا بخور و بخواب!
- ۳۴ برای خدا بیا!
- ۳۵ برای خدا بده!
- ۳۵ برای خدا ببوس!
- ۳۶ برای خدا فرست کن
- ۳۶ برای خدا دوست داشت باش!
- ۳۷ برای خدا چه کرده ای؟!
- ۳۷ وای بر من! وای بر من!
- ۳۸ خوب شدن برای خدا!
- ۳۹ برای خدا زیارت برو
- ۴۰ آثار اخلاص
- ۴۰ بوی خدا در عمل!
- ۴۱ هدایت الهی
- ۴۲ غلبه بر شیطان!
- ۴۲ برکات مادی و معنوی
- ۴۳ باز شدن چشم دل

- ۴۴ برای خدا درس می دادم!
- ۴۴ خدا کار ما را درست کرد!
- ۴۵ ارزش کار برای خدا
- ۴۶ پذیرفته شدن عمل خالصانه
- ۴۶ اخلاص
- ۴۹ اخلاص در بهیرونیت
- ۵۰ گریه را اخلاص آیت الله بروجردی
- ۵۰ عمل را خالص کن!
- ۵۱ خدا به بندگانش بیست
- ۵۳ ارزش ذکر خالصانه
- ۵۴ اخلاص در عبادت آشکار
- ۵۴ اخلاص
- ۵۶ یک عمل خالص و هزاران عمل مخلوط
- ۵۷ اخلاص
- ۵۹ ساعت برای خدا
- ۵۹ اثر کار بدون اخلاص
- ۶۰ مراقبت از اخلاص
- ۶۰ زیارت کربلا هم بدون اخلاص سودی ندارد!
- ۶۱ یک ذره اخلاص
- ۶۱ مخلص دعایش مستجاب شود

- ۶۳ اخلاص در تألیف چه می کند؟!
- ۶۴ اخلاص در نماز جماعت
- ۶۵ اخلاص
- ۶۷ قدم اول؛ اخلاص
- ۶۸ گریه از اخلاص بچه ها
- ۶۹ شهید بهمن دروئی، بنده ی خالص خدا
- ۷۱ شهید محمد علی رجایی و اخلاص
- ۷۲ شهید حسن شایع زاده و اخلاص
- ۷۳ اخلاص
- ۷۴ ایمان و اخلاص (۳)
- ۷۸ مثال شیرینی برای آزمایش اخلاص
- ۷۹ فتوا و قضاوت خالص
- ۸۱ اثر اخلاص پایدار است
- ۸۴ شهید زنبور عسل معلول اخلاص است
- ۸۵ به مقدار خلوص نیت پاداش می دهند
- ۸۶ سه نفر در غار
- ۸۸ اخلاص
- ۸۹ اخلاص در میهمان نوازی
- ۹۱ شیطان و عابد
- ۹۳ دو داستان کوتاه

- ۹۴ مشکلات طریق اخلاص
- ۹۴ خالص نبودن عمل
- ۹۵ اخلاص در کار نقاش
- ۹۶ سرکه فروش با اخلاص
- ۹۸ منابع و مآخذ

www.ketab.ir

مقدمه

در محفلی که به نام اباعبدالحسین (ع) تشکیل شده بود شرکت داشتیم بعد از اتمام مراسم یکی بلند شد و پولی برای محتاجی جمع آوری کرد. گفتم: ای کاش من هم پولی داشتم و در راه خدا می دادم تا آن مرد جلویم رسید گفتم: انشا الله به موقع من هم در این امر خیر شرکت خواهم کرد. بعد از مدتی در محل کارم بودم که یک نفر آمد و گفت: فلانی با تو کار دارد دهم همان مرد پول جمع کن می باشد. بیرون رفتم و از تعدادی اهل بازار صدای پول قرض گرفتم و به آن مرد دادم. بعد از رفتن آن شخص با خود گفتم: چرا بی خود و بی جهت پول ها را به آن مرد دادم من که او را نمی شناختم. بعد از مدتی از شخص عارفی این جمله را شنیدم که می گفت: انا امام زمان (عج) به خاطر آن عمل خیر می خواست از تو تشکر کند اما به خاطر آن جمله که گفتمی من آن شخص را نمی شناسم چرا پول ها را به او دادم. آنجا فرمودند: من از تو تشکر کنم. سلطان محمود غزنوی وزیری به نام ایاز داشت که زیاد به او توجه می کرد. اطرافیان شاه نسبت به او حسادت داشتند. چون سلطان محمود بنا گذاشت که با خدم و حشم به سیاحت بروند در این سفر سلطان محمود مقداری جواهر نیز با خود برداشت. وقتی از کوه بالا می رفتند شاه عمداً جعبه جواهر را به دره پرت کردند. اطرافیان شاه همه برای جمع کردن

جواهرات به دره سرازیر شدند، تنها شخصی که کنار شاه ماند ایاز بود. بعد از این که اطرافیان شاه جواهر را برداشتند نزد شاه آمدند. شاه عمداً از ایاز پرسید: وقتی جواهر به دره پرت شد تو چرا نرفتی؟ ایاز جواب داد: عمر پادشاه دراز باد جان شاه از همه چیز برایم عزیزتر بود بدان جهت نرفتم. شاه به اطرافیان خود گفت: الان دانستید چرا به ایاز علاقه دارم. چون اخلاص داشت و خالصانه خاطر ما را می خواهد.

آری انسان در دنیا کارهای زیادی انجام می دهد ولی آن کاری مورد قبول حضرت حق است که از روی اخلاص انجام گیرد و هر چقدر اخلاص بالاتر باشد بهره انسان از حق و اندازه اخلاص او خواهد بود و هر کس خالصانه لا اله الا الله بگوید پادشاه او بهشت خواهد شد.

علی صغیر، ولت آبادی